

تروریسم نخستین صادرات عربستان به جهان

تروریسم نخستین صادرات عربستان به جهان

بسیاری از مردم تصور می کنند که نفت، نخستین صادرات خاندان حاکم بر عربستان سعودی است در حالی که واقعیتی که تلاش می شود پنهان نگه داشته شود، از حقایق دیگری حکایت دارد.

بسیاری از مردم تصور می کنند که نفت، نخستین صادرات خاندان حاکم بر عربستان سعودی است در حالی که واقعیتی که تلاش می شود پنهان نگه داشته شود، از حقایق دیگری حکایت دارد.

عربستان سعودی یکی از بزرگترین حامیان و پرورش دهندگان تروریسم در جهان به شمار می رود. نگاهی به فعالیت های این کشور در عرصه داخلی و خارجی نشان می دهد که عمده تروریست های منطقه ای و جهانی اصالتی سعودی دارند و یا تحت تأثیر گرایش های وهابی عربستان قرار گرفته اند.

تروریسم در عربستان سعودی دو محور دارد که شامل تروریسم دولتی این کشور و تروریسم غیردولتی است که تروریسم دولتی رژیم حاکم را می توان در فعالیت های سرکوبگرانه ای دید که این روزها علیه مردم این کشور و مخالفان حکومت استبدادی آل سعود اعمال می شود؛ البته این تنها جنبه نمود این بخش از فعالیت های تروریستی دولت سعودی نیست؛ مخالفان دولت در بحرین و تظاهرکنندگان یمن نیز زخم این تیغ تیز را بر تن خود دیده و شلاق آن را بر اندام خود احساس کرده اند.

تشریح کلی این جنبه از تروریسم در عربستان موضوع این گزارش نیست؛ اما توجه به این نکته لازم به نظر می رسد که عربستان با هر گونه انقلاب مردمی که در محیط اطراف خود به وقوع بپیوندد مخالفت می کند، البته با این شرط که این انقلاب واقعاً جنبه داخلی و مردمی داشته و در مقابل ستم و دیکتاتوری سران فاسد نظام برخاسته باشد، اما ملاحظه می کنیم که ریاض در قبال سوریه موضعی کاملاً متفاوت به خود می گیرد و تمام امکانات دولتی و بازوهای تروریستی خود را در این کشور بسیج کرده تا بتواند به تحقق اهداف غرب در دمشق کمک کند.

جنبه دوم تروریسم در عربستان، تشکیل سازمان های تروریستی بین المللی نظیر القاعده و طالبان است که سران آن عمدتاً اصالتی سعودی دارند. گرایش های وهابیت به عنوان شاخه ساختگی از دین اسلام و وابستگی های خاندان حاکم سعودی به قدرت های غربی تأثیر زیادی در استفاده از این اهرم برای اعمال فشار علیه کشورهای دیگر داشته است.

خاستگاه فکری این شبکه های تروریستی عمدتاً به گرایش های خردگریز برمی گردد. مهم ترین این گرایش ها در تاریخ تمدن اسلامی، خوارج، متکلمان اشعری و فقهای قشری هستند. وهابیت به عنوان اصلی ترین حامی و تغذیه کننده ایدئولوژیک این شبکه ها از این ایده ها برای پیشبرد هدف های خود استفاده می کند.

ابعاد فعالیت های تروریستی آل سعود در جهان

برای دقت نظر بیشتر در نقش عربستان سعودی در تقویت سازمان های تروریستی در جهان به

اختصار به بخشی از این فعالیت ها اشاره می کنیم:
پاکستان و افغانستان:

این دو کشور به علت سابقه طولانی در ناامنی و هرج و مرج و نفوذ مدارس دینی وهابی و حضور سازمانهایی نظیر القاعده و طالبان در آن مرکزیت فعالیت های تروریستی عربستان را به خود اختصاص داده اند، گفته می شود بیش از سه میلیون محصل وهابی در پاکستان و صدها هزار محصل در افغانستان مشغول تحصیل در مدارس وهابی عربستان هستند.
فلسطین و لبنان:

نیروهای وابسته به عربستان در غزه که خود را مسلمانان تندرو می نامند و با شکل و شمایلی از سلفی ها و وهابی ها ظاهر می شوند، سعی می کنند چهره خشنی از اسلام نشان داده تا از محبوبیت حماس در فلسطین بکهند و تمایل مردم را به سمت گروه فتح به عنوان متحد عربستان جلب کنند. گروه های "جند الشام" و "فتح الاسلام" در لبنان نیز شاخه ای فعال وابسته به عربستان سعودی بودند که البته با واکنش سریع نیروهای ارتش لبنان سرکوب شده اند.

سوریه

با اوج گرفتن بحران داخلی در سوریه فعالیت های تروریستی عربستان در این کشور نیز شدت گرفته است. عربستان در این راستا از سوئی با کمک های مالی و انسانی به ناامنی و آشوب در سوریه دامن زده و از سوی دیگر نیز در کنار قطر رهبری تقابل سیاسی عربی علیه این کشور را در دست گرفته است. تشکیل گروه های وهابی مسلح در سوریه که با حمایت مالی و نظامی آل سعود، تغذیه می شوند و بمب گذاری در پایتخت و دیگر شهرها و کشتار علویان و ربایش و شکنجه شیعیان را در کارنامه خود دارند، از جمله مظاهر لجستیک مادی و معنوی رژیم سعودی در منطقه شام به شمار می آید. مشرق، در صدد است به یاری خدا، طی گزارش های جداگانه، به بررسی موشکافانه ریشه ها، گستره و حجم و تنوع فعالیت های سلفی های وهابی در سوریه پردازد.

عراق:

عراق هم اکنون هسته اصلی دخالت های حکومت عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه است. بر اساس شواهد و قرائن بسیار که دولت عراق نیز بارها به آن اشاره کرده، دولت عربستان سعودی مغز متفکر و مجری انفجارهای خونین عراق است؛ پول های عربستان و آموزش نیروهای القاعده سرنوشت تلخی را برای این کشور محروم رقم زده است. صدها انفجاری که بویژه از حدود 10 سال پیش به این سو در عراق آغاز شده و بر تنوع و تعدد آن افزوده شده است، از جمله نقشه هایی است که آل سعود با حمایت مالی و تسلیحاتی و فکری از وهابیونی که عمدتاً در خارج از عراق نشو و نما یافته اند، به انجام رسانده است.
آسیای میانه، قفقاز و شبه قاره هند:

عربستان سعودی در قفقاز، آذربایجان و آسیای میانه نیز بشدت فعال است و در ترورهای صورت گرفته در منطقه چچن نقش عمده ای را بازی کرده است. این توطئه ها عمدتاً از طریق پاکستان و افغانستان برنامه ریزی می شود و دامنه آن تا کشورهای شمال آفریقا، خاورمیانه و شبه قاره هند نیز می رسد که نمونه آن ده ها انفجار، گروگان گیری و عملیات های تروریستی علیه غیرنظامیان در قفقاز بوده است. هم اکنون هزاران تن از نوجوانان و جوانان قفقازی و شهروندان آسیای میانه با هزینه و تشویقات مادی رژیم سعودی، از کشورهای خود عازم دانشگاه های وهابی عربستان شده اند تا برای تبلیغ وهابیت و ترویج تروریسم به کشورهای خود باز گردند.
سومالی و الجزایر:

دولت عربستان به صورت آشکار در دو کشور عربی آفریقایی سومالی و الجزایر دخالت مستقیم دارد، گروهی به نام "عدالت گستران جوان اسلامی" در سومالی هم اینک به منبع اصلی تشنج و ناآرامی در این کشور و ایجاد بی ثباتی در شمال آفریقا تبدیل شده اند که توسط حکومت اریتره که بشدت از سوی ریاض مورد حمایت قرار دارد، تقویت می شوند و دست به اعمال خشونت آمیز می زنند. سازمان های تروریستی نظیر القاعده همچنین با داشتن تروریست هایی در تمام جهان قادر است تا هدف های متفرقه ای را در هر کشور جهان مورد حمله قرار دهد. این اهداف البته بر اساس راهبردهای عربستان و غرب بویژه آمریکا تعیین می شود.

انگیزه های آل سعود از تقویت سازمان های تروریستی

مقابله با نفوذ سیاسی- مذهبی ایران به عنوان ام القرای جهان تشیع، اصلی ترین هدف عربستان سعودی در تشکیل سازمان های تروریستی و حمایت از تروریسم دولتی در منطقه و جهان است. رژیم حاکم بر این کشور به عنوان ابزار آمریکا و رژیم صهیونیستی، در جهت تلاش برای کم کردن نقش جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز مقابله با کفر و استکبار جهانی و محور وحدت امت اسلام، تبلیغ و ترویج وهابیت را در جوامع اسلامی در دستور کار قرار داده است. البته ریشه این طرح را باید در پروژه های آمریکایی جست که برای کاهش نفوذ ایران به دنبال ایجاد رقبا سیاسی نظیر ترکیه و رقبا مذهبی نظیر وهابیت سعودی در منطقه بوده است. این توطئه، علاوه بر اینکه می تواند بسیاری از جریان های اسلامگرا را از توجه به ایران بازدارد، به دنبال ایجاد شکاف در اندیشه های اسلام ناب نیز بوده و می خواهد اسلام فعال و پویای سیاسی را با شائبه های تروریسم و خشونت و افراط گرایی آلوده کند.

مقامات سعودی از آنجا که با تشکیل دولت استبدادی هیچ پشتیبان مردمی برای خود ندارند، برای بقای حاکمیت خود مجبور به اطاعت از قدرت های خارجی هستند تا با حمایت آنها زمام امور کشور را همچنان در اختیار داشته باشند. در همین راستا رویکرد هیئت حاکمه و دستگاه های امنیتی عربستان، نسبت به سازمان هایی نظیر القاعده معمولاً مثبت بوده است. سازمان امنیت عربستان به ریاست شاهزاده "ترکی الفیصل" در زمان تشکیل القاعده همکاری مؤثری انجام داد. خود بن لادن هم به صراحت بیان می کرد که اسلحه این شبکه توسط آمریکایی ها و با پول سعودی ها تأمین می شود. به اذعان رسانه های سعودی، هم اکنون نیز بسیاری از مفتی ها و شاهزادگان سعودی، هزینه های سرسام آور عملیات های تروریستی بویژه علیه شیعیان در عراق و پاکستان و افغانستان را تأمین می کنند. البته گاه نیز افراط گری برخی عناصر خودسر القاعده، دامنگیر خود عربستان نیز شده و منابع آن را به هدر داده است اما این نیز باعث نشده که آل سعود از حمایت از این شبکه وهابی دست بردارد.

به گزارش مشرق، از سوی دیگر مقامات آل سعود برای فرسایش توان رادیکال های وهابی در عربستان و برای اینکه آنها علیه دولت لیبرال این کشور اقدامی نکنند، توجه این جریان ها را به خارج از مرزهای خود جلب می کنند تا از خطرات آنها برای دولت خود در امان باشند.

بنابراین عربستان با تقویت این گروه ها در خارج از مرزهای خود، بحران را از داخل به خارج هدایت کرده تا خود را از دردسر احتمالی رادیکال ها و جریان سلفی در امنیت کامل نگه دارد. حمایت عربستان از این شبکه ها همچنین در جهت تبلیغ وهابیت و مقابله با پیشرفت روز افزون اسلام خواهی در جهان بوده است، به همین علت سعودی ها علاوه بر حمایت از گروه های تروریستی، کشورهای غربی را از وارد شدن به جنگ علیه جنبش های تحت حمایت خود بر حذر می داشتند. مدارس دینی وهابی ها در کشورهای آسیایی بویژه افغانستان و پاکستان

نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند. دانش آموختگان این مدارس عمدتاً به گروه های جهادی و تروریستی می پیوندند.

این کشور همچنین فعالیت های تروریستی زیادی را در کشورهای شیعه نشین بویژه عراق که از حاکمیت مقتدر سیاسی برخوردار نیست، انجام می دهند تا آنها را از کنترل روند امنیتی کشور بازدارند. به عنوان مثال هفته نامه ساندی تایمز در یکی از مطالب خود در مورد فعالیت های تروریستی عربستان در عراق نوشت که نیمی از تروریست هایی که در پایگاه آمریکایی کروبر عراق بازداشت هستند سعودی تبارند. این هفته نامه تأکید کرده است که نواری صوتی با صدای شیخ "صالح اللحدیدان" مفتی سعودی و مسؤول عالی قضایی عربستان در اختیار دارد که وی در آن جوانان عربستانی را به انجام اقدامات تروریستی در عراق دعوت کرده است.

ایجاد موج وحشت در جهان بر اساس یکی از پروتکل های تأسیس رژیم صهیونیستی از دیگر اهدافی است که این سازمان های تروریستی دنبال می کنند. جالب اینجاست که این سازمان های به ظاهر اسلامی که تاکنون هیچ هدف صهیونیستی را تهدید و ترور نکرده اند، درست در راستای اهداف برنامه ریزی شده رژیم صهیونیستی فعالیت می کنند. صهیونیست ها ب صراحت در پروتکل نهم خود اعتراف می کنند: «موجهای وحشت که مصیبت آن، مردم را در برگرفته از ما برخاسته است.»

ایجاد اختلاف و درگیری های فرقه ای و مذهبی در جهان اسلام انگیزه دیگر وهابی ها از تشکیل این گروه ها و ایجاد بنیادگرایان وهابی است. افراطیون وهابی در این راستا علاوه بر تلاش برای ایجاد جنگ داخلی با توسل به حربه تکفیر، به مبارزه با تمامی مذاهب و فرقه های اسلامی غیر از خود رفته و به جز خویش، سایر گروه ها را یکسره باطل و کافر و ریختن خون آنان را واجب می پندارد. آنها شیعیان را هم رافضی و کافر می دانند و از وجوب جهاد علیه رافضی های کافر شیعی و مجوس های صفوی سخن به میان می آورند!

روابط پنهان وهابیت با صهیونیسم

وهابیت آل سعود را بی شک همپای رژیم صهیونیستی، می توان شرورترین رژیم منطقه به شمار آورد. شرارت موجود در این دو از آنجا ناشی می شود که ریشه هر دوی آنها در استعمار غرب و اروپا قرار دارد و هم وهابیت و هم صهیونیسم زائیده تفکر شیطنی و فراماسونری غرب بویژه با مرکزیت بریتانیا در تسلط بر کشورهای منطقه است و همین موضع مشترک روابطی را میان این دو به وجود آورده که البته باید برای پیشبرد این نقشه ها در خفا باقی بماند.

بسیاری از علمای شیعه و سنی و تاریخ شناسان معاصر، ریشه تأسیس وهابیت را از افکار صهیونیستی می دانند. "ناصر السعید" در کتاب "صفحة عن آل سعود، الوهابیین و آراء علما السنة فی الوهابیة"، در مورد «محمد بن عبدالوهاب»، بنیانگذار فرقه وهابیت می نویسد: «پدر بزرگ محمد بن عبدالوهاب، یک یهودی به نام "سلیمان قرقوزی" بود که از ترکیه به حجاز مهاجرت کرده بود. این کتاب در مورد خاندان سعودی که مدت دو قرن است بر حجاز حکومت می رانند نیز تأکید کرده است که نام جد یهودی خاندان آل سعود که خود را به مسلمانی زد، "موردخای بن ابراهیم بن موسی" بود که از یهودیان بصره بوده است.

ملک فیصل یکی از مقامات سعودی بود که در دهه 70 قرن گذشته نیز با افتخار از اصالت یهودی آل سعود سخن می گفت و تلاش می کرد تا این موضوع را ثابت کند. البته وی مسیر بازگشت به اسلام را نیز با تزویر حفظ می کرد. وی می گفت: «پیوند آل سعود با یهودیت، به ریشه مشترک سامی این دو بازمی گردد.» این مطلب در روزنامه واشنگتن پست 17 سپتامبر 1969 میلادی و همچنین برخی روزنامه های عربی مثل الحیات نیز منتشر شده است. وی همچنین

آشکارا تصریح می کرد: «ما و یهود، پسر عمو هستیم! لذا راضی نشدیم آن گونه که برخی می خواستند آنها را در دریا غرق کنیم، بلکه می خواهیم با آنها در فضای صلح و امنیت زندگی کنیم!»

شاید به همین دلیل باشد که رژیم حاکم بر عربستان سعودی، تنها حکومتی باشد که تا کنون هیچ اعتراضی به تداوم اشغال جزایر مهم و استراتژیک خود از سوی رژیم صهیونیستی نشان نداده و به غصب آنها توسط این رژیم رضایت داده است.

شاید بتوان گفت غیر از عربستان سعودی، دومین جریانی که از گسترش سازمان های تروریستی تحت نظر وهابیت سعودی سود می برد، رژیم صهیونیستی است. این منافع را در چند بعد می توان دید که اتفاقاً شباهت های زیادی به اهداف سعودی ها از گسترش سازمان های تروریستی دارد: ایجاد اختلاف و جنگ داخلی میان اهل سنت و شیعیان، ایجاد فضای رعب و وحشت در جهان و ممانعت از گرایش روز افزون مردم جهان به اسلام و مقابله با نفوذ ایران تنها بخشی از ابعاد این منافع گسترده را شکل می دهد.

در همین راستا سیاستمداران رژیم صهیونیستی رسماً ابراز امیدواری کرده اند که شیعیان و سنی ها آن قدر با یکدیگر در منطقه بجنگند تا هر دو از بین بروند و منطقه متعلق به صهیونیست ها گردد. جالب است که به فاصله چند ماه از این اظهار نظر، دومین مرجع مذهبی فرقه وهابیت در فوریه 2007 میلادی فتوای تخریب مساجد و مرقد های مقدس شیعیان را صادر کرد.

سرکرده فعالیت های تروریستی آل سعود در جهان

"بندر بن سلطان بن عبدالعزیز آل سعود" مهندس و طراح اصلی فعالیت های تروریستی عربستان سعودی در جهان به شمار می رود. این فرد بنوعی رهبر اصلی تمام گروه های تروریستی است که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم زیر نظر عربستان سعودی کار می کنند. بندر به مدت 23 سال سفیر عربستان سعودی در آمریکا بود و ارتباطات بسیار نزدیکی با مقامات آمریکایی و لابی های صهیونیستی در این کشور برقرار کرده است.

بندر از راه دور دستورات مستقیمی در عزل و نصب های مقامات و رهبران القاعده می دهد و با گماردن تعدادی از عناصر و افسران اطلاعاتی عربستان در پست های فرماندهی القاعده هر چه بیشتر سعی می کند تا همراهی این گروه های تروریستی با سازمان جاسوسی عربستان را حفظ کند. پایگاه خبری عراقی "برائا" پارسال سندی را منتشر کرد که نشان می دهد بن سلطان که تجهیز و فرماندهی گروه های تروریستی در منطقه را بر عهده دارد، بعد از مرگ "ابوعمر البغدادی"، "ابویوب المصری" فرمانده جدید القاعده در عراق را تعیین کرده است و عناصر آن را با سلاح و پول تجهیز نموده است. از مهم ترین اقدامات تروریستی بندر، ترور ناکام مرحوم علامه "سید محمدحسین فضل الله" و ترور حاج عماد مغنیه فرمانده ارشد حزب الله لبنان بود که جزئیات آن، در رسانه ها منتشر شد.

به نظر می رسد اکنون با اوج گیری زوال و انحطاط رژیم آل سعود و تشدید بحران های داخلی و قیام مردم این کشور علیه خاندان حاکم که روز به روز تقویت می شود، سعودی ها برای تداوم بقای خود و به عقب انداختن لحظه سقوط رژیم وهابی این کشور، دست به دامان آمریکا و رژیم صهیونیستی شده اند تا با تضعیف دولت سوریه از طریق حمایت های مالی، سیاسی، فکری و نظامی از یک سو و تضعیف دولت عراق با استفاده از حمایت از عناصر وابسته به خود مانند "طارق الهاشمی" و دیگر همفکران خود در حکومت عراق و نیز تشدید عملیات های تروریستی و بمب گذاری ها در این کشور، زمینه را برای نجات یافتن از غرق شدن در گرداب جمود و

استبداد، فراهم می کنند که دستیابی به این هدف، با توجه به سیر قیام های مردمی در منطقه و رشد گرایش به اسلام اصیل، بسیار دور از دسترس خواهد بود.